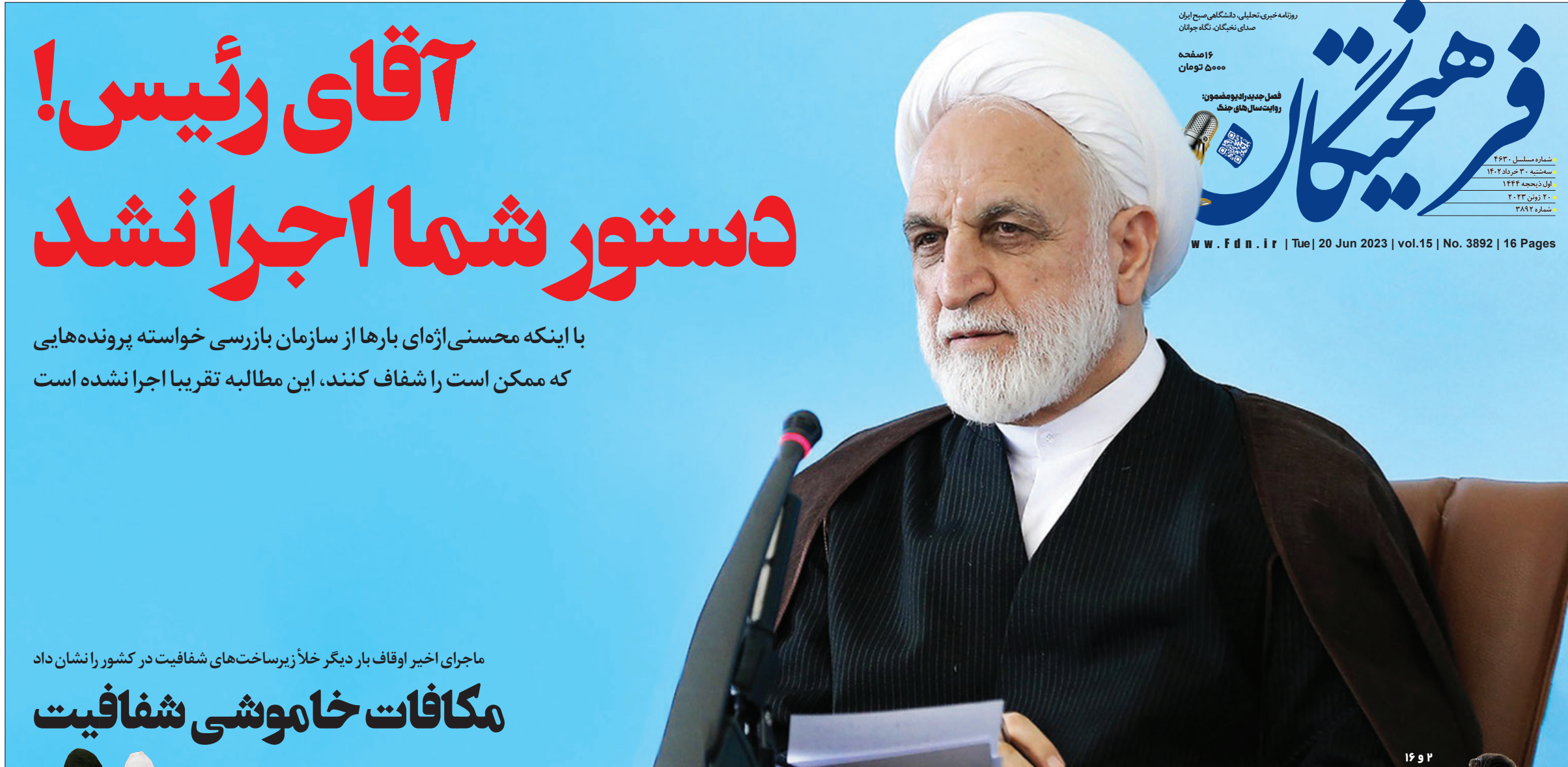


# آشفته‌گی صورت‌های مالی باشگاه‌های فوتبال

۱۵ و ۱۴



روزنامه خبری، تحلیلی، فرهنگی، صبح ایران  
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه  
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید: راپوشمون:  
روایت سال‌های جنگ

شماره مسلسل: ۴۳۲۰  
شماره: ۳۰ خرداد ۱۴۰۲  
لینک: ۱۴۴۴  
زیرنویس: ۲۰۲۳  
شماره: ۳۸۹۲

www.farhikhtegan.ir | Tue | 20 Jun 2023 | vol.15 | No. 3892 | 16 Pages

## آقای رئیس!

## دستور شما اجرا نشد

با اینکه محسنی‌اژه‌ای بارها از سازمان بازرسی خواسته پرونده‌هایی که ممکن است را شفاف کنند، این مطالبه تقریباً اجرا نشده است

ماجرای اخیر اوقاف بار دیگر خلأ زیرساخت‌های شفافیت در کشور را نشان داد

## مکافات خاموشی شفافیت



دانشگاه آزاد برای ازدواج دانشجویی تدارک ویژه دیده

## وام، تخفیف شهریه و ۵ آیتم دیگر

۱۶ و ۲

ماجرای سریال‌هایی که می‌خواهیم با ایده‌های یک خطی کش‌شان بدهیم

## قتل سریالی سوژه‌ها

۱۶ و ۲

جادوگر به خاطر پول خواهرش را هم در بیل زد

## زن، چک، زندان



۱۶ و ۲

یادداشت - ۲

جادوگر به خاطر پول خواهرش را هم در بیل زد

## زن، چک، زندان

سایر چک‌های سفیدامضای دیگر، این‌گونه تهدید می‌کند که اگر چک‌ها در اختیارش قرار نگیرند، با مبلغی بالغ بر ۷۰۰ میلیارد او را به زندان کشیده و مقروض می‌کند. کدام خواهر این تهدید را از برادرش باور می‌کند؟ هیچ خواهری چنین تهدیدی را جدی نخواهد گرفت. لیلا کریمی هم بنا بر مهر و علقه خواهر و برادری، ملاحظاتی خانوادگی و با این پیش‌فرض که تمام چک‌های قبلی در معاملات قبلی برادرش استفاده شده است، این تهدید آقای جادوگر را جدی نمی‌گیرد. اما در نهایت بیشتر از ۱۷ ماه پیش با یک چک ۷۰۰ میلیاردی و یک چک دیگر ۷۰ میلیاردی مقروض می‌شود و حالا ۱۷ ماهی می‌شود که به دلیل بدهی در زندان به سر می‌برد. لیلا کریمی مادر دوازده فرزند ۱۵ و ۵ ساله است. پس از انتشار این گزارش و خبر بازداشت شدن لیلا کریمی با پاپوش‌های مالی برادرش و نامه‌های تهران زندانی است با دادستان تهران ملاقات و درخواست‌هایی را مطرح می‌کند. لیلا کریمی، خواهر علی کریمی، در ملاقات با دادستان تهران می‌گوید چندین بار با مقامات قضایی مکاتبه داشته و شرایط نامساعدی که برادرش برایش ایجاد کرده و منجر به زندانی شدنش شده است را توضیح داده.

خانمی روی صندلی می‌نشیند. شال مشکی‌اش را جلو می‌آورد و می‌گوید: «اولین باری که دسته‌چک گرفتم به توصیه برادرم آقای کریمی برای خرید تیم سپیدرود بود. به من گفتند که برو بانک و درخواست دسته‌چک بده. من هم چون برادرم نبود، فکر نمی‌کردم این دسته‌چک بخواهد برایم دردسر شود. رفتم. چون علاقه خیلی شدیدی به او داشتم و هیچ‌وقت روی حرفش حرف نمی‌زدم. الان فهمیدم روزی که می‌خواست دسته‌چک بگیرد می‌دانسته که قرار است این بلا را سر من بیاورد. وگرنه می‌توانست دسته‌چک خودش را خرج کند.» اینها اظهارات لیلا کریمی، خواهر علی کریمی شماره ۸ سابق پرسپولیس و تیم ملی است. خبرگزاری میزان در گزارشی می‌نویسد هفتم اردیبهشت، دادستان تهران است با دادستان تهران ملاقات و درخواست‌هایی را مطرح می‌کند. از بخش‌های مختلف این زندان بازدید می‌کند. دادستان تهران همچنین با حضور در بند محکومان مالی ندانگاه مرکزی نوسان استان تهران، میز خدمت به صورت چهره به چهره با مددجویان این بند برپا می‌کند و در این دیدار، پاسخگوی درخواست‌های آنها می‌شود و دستوراتی را درخصوص پرونده‌های برخی از این افراد صادر می‌کند. در جریان این بازدید اما خواهر علی کریمی که در بند محکومان مالی زندان زنان خوسود را یکی از لیدرهای این جریان معرفی کرده بود و شش‌هفتاد نفر از زندان، مرتبه‌های خونین در توصیف آزادی برادررفته دختران و زندگی آنها می‌سرود و این جریان‌ها، خشونت‌ها و تمام موارد نقض قوانین اجتماعی را هم و کنش مردم نسبت به وضعیت اقتصادی می‌دانست و خودش را کسی معرفی می‌کرد که تا پای جان کنار مردم و وطنش خواهد ماند اما الحق که علی آقا بازیکن خوبی بود! در نهایت وطن و مردم را با هم در بیل کرد و با فروش تمام دارایی‌اش به خارج از کشور رفت. حالا هم مشخص شده علی کریمی، لیدر جریان زن، زندگسی، آزادی به یکی از نزدیک‌ترین زنان زندگی‌اش هم رحم نکرده و با یک بدهی مالی هنگفت، او را پشت میله‌های زندان انداخته است.

### زینب مرزوقی

خبرنگار گروه جامعه

به هیچ عنوان قابل شکل‌گیری نیست و صرفاً شبیه به نوعی لذت‌جویی پوچ‌انگارانه می‌تواند نقش مخدري را بازی کند که بیش از آنکه تاریخ‌ساز باشد، سعی در بازسازی گذشته و هم‌آلوده در زندگی اکنون دارد.

مروجان رادیکالیسم لحظه‌ای که بیرون از هیاهوها باید پاسخ می‌داند در پس این خشونت و این وضعیت مهلک برای کشور چیست، با واژگان کلی مثل دموکراسی و حکومت برای مردم و حضور نخبگان سعی می‌کردند صورت مساله‌ها را به نوعی لذت‌جویی پوچ‌انگارانه تبدیل کنند و نوعی دم‌غنیمی و اعتراض به مثابه امر تماشایی را تئوریزه می‌کردند. به نوعی آنها اعتراض را نه برای حل مشکلات و نه برای انقلاب حقیقی بلکه برای آنکه از اصل اعتراض لذت می‌بردند تبدیل به نوعی امر دوست‌داشتنی و تماشایی کرده بودند. باید گفت این مروجان برای اعتراض قصه می‌بافتند تا خود اعتراض باقی بماند؛ چراکه امر اعتراض باعث شده بود زندگی روزمره و فشرده فعلی نوعی تسکین و دلخوشی را به صورت فیلمی جذاب درآورد که تماشاچی چند دقیقه از مشکلات زندگی را با فرو رفتن در تماشای فیلم فراموش کند.

ولی درحقیقت جامعه گرفتار روزمرگی و مشکلات، پس از مدتی دیگر تحمل تماشایی شدن اعتراض‌ها را ندارد و دوست دارد آرامش خود را مجدد بازآفرینی کند اما در این تعویض حالت این اتفاق به سادگی رقم نمی‌خورد. جامعه و حداقل بخش معترض آن دچار نوعی ترومای جمعی می‌شود و حال از اعتراض و حتی واژه اعتراض ترس دارد؛ چراکه خروجی آن هم را نه تنها انقلاب و سقوط نیافته بلکه خشونت وسیع و ترس از رفت‌وآمد در شهر و درگیری یافته است.

حال این ترومای جمعی خطری وسیع را به همراه دارد؛ دیگر در افق سیاسی فکر نخواهد کرد و خلق معنای بی‌تفاوتی نسبت به تصمیمات را شکل خواهد داد. به این جهت خطر اصلی سیاست‌زدایی در پس این وضعیت رادیکال است، به این جهت که در وضعیت رادیکالیسم نتیجه عکس به همراه دارد، مهم‌ترین شیوه مقابله با آن ترومای جمعی است که یادآور آن خاطرات بد به‌عنوان کنش سیاسی و انقلابی است.

در موقعیت فعلی شاید مهم‌ترین اتفاقی که نباید رقم بخورد ذبح سیاست است؛ چراکه این ترومای جمعی احتمالاً تا مدت طولانی از هر آنچه به نام سیاست است دوری کند و جامعه‌ای که کنش سیاسی در آن نباشد جامعه‌ای منفعل است.

به هر جهت اکنون باید به پسااعتراضات توجه کرد. پسااعتراضات چرا به جای آنکه افقی تازه را تاسیس کند و مسیر جدیدی را شکل دهد، به ترومای جمعی تبدیل می‌شود؟ ترومای جمعی فرآیندی روان‌شناختی و اجتماعی است که در وهله اول به خلق معنا می‌انجامد. دقت کنید ترومای جمعی فرصت رشد و تغییر را از جامعه خواهد گرفت؛ چراکه دیگر تبدیل به معنایی نشده‌اند که درمقابل اتفاق مثبت یا اقدامی مثبت هم پاسی صادر نمی‌کنند. طبیعی است تک‌تک افرادی که در ابتدا اعتراضات را اسطوره‌ای و رادیکال تفسیر و سعی کردند نشان دهند در پس این رفتارها تاریخ جدیدی خلق می‌شود، چون در مسیر وهم بودند، کاملاً عکس رفتار کردند یعنی دست به عملی زده‌اند که بخشی از جامعه را با تروما روبه‌رو کرده‌اند که تاثیر بسیاری در رفتار آنها با تحولات سیاسی و اجتماعی دارد و از یک بدنه پویای اجتماعی به یک بدنه خودبیرانگر رسیده‌اند. آنچه شاید در آن مقطع کمتر توجه کنشگران شبه‌اپوزیسیون داخلی و خارجی بود، این بود که پایان این شرایط وهم‌آلود چه خواهد بود؟

کنشگران متأسفانه در آن مقطع توان تحلیل و تفسیر از شکل‌گیری اتفاقات نداشتند و به جای آنکه اعتراضات را فهم کرده و بعد به نسبت شرایط و زمان خاص طرح بحث کنند، در پس معترضان صرفاً قصد داشتند رنگ و لعاب خواسته‌های آنها را افزایش داده و رادیکالیسم را پیوست این اعتراضات کنند.

آنچه شکل گرفت اما خواسته‌های غیرقابل اجرا و محتوایی بود که بیشتر به سمت نوعی لذت‌جویی پوچ‌انگارانه سوق پیدا می‌کرد، گویی هیچ‌کدام از افرادی که در تنور رادیکالیسم می‌دمیدند به آنچه رقم می‌خورد فکر نمی‌کردند. جابه‌جایی این لذت‌جویی پوچ‌انگارانه با وظیفه فردی که روشننگری می‌کند چیست؟

این لذت‌جویی پوچ‌انگارانه که کنش و واکنشی همیشه رادیکال را بصورت زده‌است تصور می‌کند لحظه حال صرف اهمیت دارد و مساله را در سطح اندکی بحث می‌کند درحالی که اگر وعده سقوط و انقلاب داده می‌شود باید درباره همه ابعاد آن فکر شود، نه اینکه صرفاً مثل یک لیدر انتخاباتی بلند خواسته‌ای را فریاد زد.

بی‌دقتی در رفتار این طیف مروج رادیکالیسم، توجه نداشتن به این نکته بود که جامعه ایران به هیچ‌عنوان به دنبال دست زدن به رفتارهای پوپریستیک و سخت‌نبوده است و ساختار سیاسی کشور هم به آن مقدار که تصور می‌شود ضعیف نیست و اصلاً موقعیت انقلابی در دنیای فعلی هیچ کمکی به هیچ کشوری نکرده است، چون از اساس قابل اجرا نیست؛ چراکه تفکر انقلابی بیش از آنکه به انقلاب برسد باید ثابت شود و بتواند خود را در سطح زندگی روزمره بازسازی کند؛ اتفاقی که

### سیدجواد نقوی

خبرنگار گروه اندیشه

احمد زیدآبادی در گفت‌وگویی که با سایت انصاف‌نیوز داشت، مدعی شد می‌کند که در اعتراضات با مردم وعده سقوط و انقلاب را بیان می‌کردند حالا هیچ‌کدام‌شان پاسخگو نیستند. درواقع ابتدا باید پرسید که در شروع اعتراضات چه کسانی مواضع رادیکالی و در کنش و عمل شباهت خاصی به اپوزیسیون فانتزی خارج‌نشین داشتند؟ و اصلاً چرا این مواضع را مدام به‌عنوان نسخه شفابخش معرفی می‌کردند؟ ذات اعتراض نوعی عصیان در درون خود دارد. به تعبیری متعربان به علت‌های مختلف خواستار به پایان رسیدن موقعیت بد و به سرعت حرکت کردن به موقعیت مطلوب هستند. اما همین لحظه پرسشی مطرح می‌شود؛ موقعیت مطلوب چه شکلی است؟ و راه عبور از آن چیست؟ آن بخش از جامعه که در حال اعتراض است معمولاً در لحظه اعتراض به پرسش‌هایی که مطرح می‌شود کمتر توجه دارد. وقتی چرایی و اهداف اعتراضات در هرجای دنیا به سمت نوعی وهم و رادیکالیسم حرکت می‌کند در مرحله شروع وظیفه اهل فکر و روشنفکران و نیروهایی که توان اجتماعی دارند، این است که به‌صورت جدی با تغییر مسیر وهم‌آلود مقابله کرده و سعی کنند با عمق‌دهی به شکل و محتوای اعتراض آن را در سطحی قرار دهند که حقیقی و قابل درک و اجرا باشد.

اما متأسفانه از شروع اعتراضات ۱۴۰۱ تا اوج خشن شدن آن و حتی وقتی که اپوزیسیون در حال مطرح کردن طرح پرواز ممنوع بودند، شما معدود افرادی را می‌بینید که درمقابل نوعی وهم رادیکالیزه‌شده مقاومت کنند و یک همراهی وسیع را در این ناب‌مشاهده می‌کنیم که سقوط و انقلاب را در سطح قصه‌های فانتزی تنزل داده‌اند و حتی تصور می‌کنند در این انقلاب باید از توده مردم برای پیش‌بینی سقوط سبقت بگیرند. شما مشاهده می‌کنید که از اهل فلسفه تا اهل تاریخ، از چپ تا راست، همه و همه در بازار پیش‌بینی سقوط شرکت می‌کنند؛ و قصد دارند خود را تنها نوسترآداموس پیش‌بینی انقلاب معرفی کنند.

از منظر جامعه‌شناختی هرچند باید پذیرفت رابطه نخبگان و اهل جامعه به‌صورت دهه‌های گذشته نیست اما به معنای قطع کامل هم نباید این نکته را بدیهی پنداشت؛ به هر صورت بدنه‌های مختلف جامعه از جمله طبقات متوسط در سطح ناخودآگاه جمعی به زبان و عمل نخبگان خود توجه و مشاهده می‌کنند آن‌همی که شکل گرفته را اهل فکر و نخبگان هم باور کرده و حتی صورتی برای آن هم ترسیم کرده‌اند؛ این در رادیکال شدن موقعیت بی‌تاثیر نیست و اینجا دقیقاً همان مرحله‌ای بود که شروع خطر ترومای جمعی را اصلاً متوجه نشده بودند.

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای مهندس اسحاق جهانگیری

درگذشت والده مکرمه جنابعالی و دوشهیدوالامام یعقوب و محمد جهانگیری را به شما و خانواده محترمان تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر مسالت دارم.

علی اکبر ولایتی

صدای نخبگان  
نگاه جوانان

روزنامه فرهیختگان  
FARHIKHTEGAN

farhikhteganonline

Instagram, Facebook, Twitter, YouTube icons